



۵۹ شماره نهم آنچه گذشت ...

کشور دیگر مورد حمله قرار گرفت.

شهادت خادم الرضا

در ذهن هیچ کس خطور نمی‌کرد که روزی از همین روزهای عادی سال که مردم درگیر روزمرگی‌های زندگی خویش هستند، رئیس جمهوری در راه عشق به مردم به شهادت برسد. واقعه‌ی تلخی که موجب شد بهترین یار رهبری آسمانی شود و هیئت همراهی، همراه دیرینه شوند. واقعه‌ی تلخی که جهان را شوکه کرد و محبت مردم را بار دیگر نسبت به شهدا شعله‌ور نمود ولی به راستی مردم فراموش کاری هستیم که با گذشت چند ماه، دیگر نه از او بی‌یاد می‌کنیم، نه از چیزهایی که به جا گذاشت ...



انتخابات و شهادت اسماعیل هنیه

دیری نگذشت که درگیر فضای انتخاباتی ریاست جمهوری شدیم. تحلیل‌ها و مناظرات داغی از سوی صاحب‌نظران و مدعیان سیاست شاهد بودیم که حاکی از حرف‌های ناگفته بسیاری بود؛ ولی مهم آن است که حضور مردم در پای صندوق‌های رای، نشان‌دهنده‌ی مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران است و نتیجه، هر چیزی هم که باشد، همه امت واحده‌ای هستیم که زیر سایه‌ی پرچم یک کشور در کنار هم و دوشادوش هم زندگی می‌کنیم؛ پس می‌بایستی در جهت یاری و همبستگی دولت و ملت در تلاش باشیم و اجازه ندهیم تا عوامل خارجی و آشوبگران داخلی با جنگ ترکیبی، درصدد از بین بردن اتحاد ایرانیان باشند؛ به همین منظور شاید پیمان حسینی در ماه عزا بستیم که همراه و یاور حضرت آقا باشیم.

از غدیر گذشتیم و به عاشورا رسیدیم؛ با علی همراه شدیم و به فرزندش حسین رسیدیم؛ از غم‌های برخاسته و زخم‌های کهنه گریستیم و به حال جهان و غزه نگریستیم که ناگه خبری رسید که یار دیگری رفت و ابراهیم، اسماعیلش را برد...

در این شماره از نشریه‌ی خط دانشجو، فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور و منطقه را بررسی خواهیم کرد.

سخن سردبیر

معصومه صحت

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

آنچه در ماه‌های اخیر گذشت، به نوبه‌ی خود نیازمند گفت‌وگوها و بحث‌های فراوان است؛ چراکه سرنوشت کشور را در مسیر متفاوتی قرار داده است. مروری کوتاه به وقایع می‌تواند در جهت اثربخشی این نشریه برای شما مثمر ثمر واقع شود.

حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق

از حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق آغاز کنیم؛ ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ بود که بار دیگر اسرائیل به جهانیان نشان داد که چگونه می‌تواند با وقاحت کامل، تمام خط قرمزها را زیر پا بگذارد! حائز اهمیت است که در اثر این حمله شانزده تن شهید شدند که سرتیپ محمدرضا زاهدی، از فرماندهان ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران یکی از شهدای این حمله بودند.

وعده‌ی صادق

بعد از گذشت دوازده روز و ایجاد فضای رعب‌انگیز رسانه‌ای، بالاخره ایران انتقام این حمله را از اسرائیل گرفت؛ وعده‌ی صادق، اولین برخورد مستقیم نظامی اسرائیل و ایران بود. نکته قابل توجه اینجاست که این حمله، بزرگ‌ترین حمله‌ی پهلپادی در تاریخ و دومین بار پس از حمله‌ی موشکی عراق به اسرائیل در سال ۱۹۹۱ بود که اسرائیل مستقیماً توسط ارتش یک

آن، جریان تبیین در تلاش است تا با تلنگر به عقل انسان‌ها، فکر آن‌ها را بیدار کند و واقعیت‌ها را به او هدیه دهد. اما آنچه که تاریخ به ما اثبات کرده، تنها یک چیز است: «وعده‌ی الهی حق است».

«بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ...»

بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد و به این ترتیب، باطل محو و نابود می‌شود...» (سوره‌ی انبیا آیه ۱۸)



برنامه‌ی الهی پیامبران، بندگی پروردگار را برگزیدند، پیروز شدند؛ اما آنان که بندگی شیطان را برگزیدند، لکه‌ی ننگی بر تاریخ شدند.

همه چیز به شعور برمی‌گردد. علی‌علیه‌السلام را دوست داشتند، اما شعورشان یاری نکرد تا در مقابل ظلم به ایشان بایستند! حسین علیه‌السلام را دوست داشتند و او را برای برقراری عدالت الهی دعوت کردند؛ اما شعورشان یاری نکرد از دنیای خود بگذرند و خریدار ابدی آخرت باشند. شعور اگر یاری کند، می‌شود از تاریخ درس عبرت گرفت، می‌توان حق و باطل را که عیان هستند از یکدیگر جدا کرد و در سمت درست تاریخ ایستاد. ۷۲ یاری که اهل تفکر بودند، نام‌شان در تاریخ ثبت شد و جاودان ماندند. مردمان اهل تفکری که علم اسلام ناب را در دو قطبی غرب و شرق بلند کردند تا پرچمدار حکومت عدل الهی و علوی باشند. انسان‌هایی که میدان غزه و اسرائیل را میدان حق و باطل و ایمان و استکبار می‌دانند و با تمام توان برای پیروزی قطعی و وعده‌ی حق الهی پرچمداری می‌کنند.

در این دو جبهه‌ی ازل تا ابد، جریان تحریف و تبیین حائز اهمیت می‌باشند. در جریان تحریف ابتدا استعمار نو و فرانو توان تفکر را از جهانیان می‌گیرد و مطابق دلخواهش وقایع را بازتعریف می‌کند تا شعور انسان‌ها را از واقعیت‌ها دور کند. در مقابل

همه چیز به شعور باز می‌گردد! از ازل تا ابد...

فاطمه وهابی

دانش‌آموخته کارشناسی علوم تربیتی

پروردگار باری تعالی در هنگام خلق انسان، او را به دو صفت می‌آزاید: عقل و اختیار؛ اما در این مسیر پر از چالش، این دو به تنهایی نمی‌توانند راه‌گشای خروج انسان از دوراهی حق و باطل باشند! پس، پروردگار عالم برای به‌کمال رسیدن انسان، در مسیر او چراغ‌هایی را تعبیه می‌کند تا بندگانش که با فطرت پاک الهی قدم به جهان مادی می‌گذارند، بتوانند «انسان» زندگی کنند و «انسان‌آفرینی» کنند.

شاید سوال شود که اگر خداوند خواستار کمال انسان‌ها بود، چرا به شر اجازه داد بر روی زمین نقش‌آفرینی کند تا آدمی را از حق مطلق دور کند و ما چگونه با وجود آن به کمال برسیم. پاسخ در یک نکته است؛ تفکر! پیامبران آمدند تا بنی‌آدم را اهل تفکر کنند یا به بیانی دیگر، تفکر خفته در وجود بندگان پاک‌سرشت خداوند را بیدار کنند؛ اما در مقابل آن، خداوند نفس اماره را در وجود آدمی قرار داد تا از قوه‌ی تعقل او تخطی کند و سره از ناسره جدا شود. کسانی که تفکر را بر خود غالب کردند و با بهره‌گیری از

کتاب "انسان ۲۵۰ ساله"

انسان ۲۵۰ ساله، کتابی حاوی بخش‌هایی از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، درباره زندگی سیاسی امامان شیعه است. رویکرد محوری این کتاب، مبتنی بر نظریه انسان ۲۵۰ ساله است که زندگی امامان شیعه را علی‌رغم تفاوت ظاهری، در مجموع یک حرکت مستمر می‌داند که از لحظه وفات پیامبر (ص) شروع می‌شود و تا سال ۲۶۰۰ ق به مدت ۲۵۰ سال ادامه پیدا می‌کند و همه آنها در این سال‌ها به دنبال تشکیل حکومت اسلامی بوده‌اند.



امتش بود!

۵. یک تهران و یک ایران در پنجشنبه روزی، اسماعیل را روی دوش خود تشییع کردند. تهران و ایران شیعه بدرقه‌ی تاریخی برای یک عالم مبارز سنی رقم زدند و ثابت کردند در مرام عدالت علوی هرکس مجاهد فی سبیل الله باشد، عزیز امت است. اسماعیل امت، شد دلیل وحدت قلوب مسلمانان شیعه و سنی.



روزگار صهیونیست‌ها درآورده است. یادگار اسماعیل؛ از سنگ دیروز تا موشک امروز!

۳. می‌گفتند خودش و خانواده‌اش در قطر مشغول عیش و نوش هستند و غزه و غزه‌ای‌ها را در میان معرکه‌ی آتش اسرائیل تنها گذاشته‌اند. اما جمعی از پسران، برادران، نوادگان و به نقل از خود اسماعیل، نزدیک به ۶۰ نفر از خانواده‌اش در غزه و در بمباران‌های بی‌رحمانه ارتش رژیم صهیونیستی شهید شدند. خود نیز در تهران و در قلب مقاومت، مزد یک عمر مجاهدتش را گرفت و روسیاهی‌اش ماند به زمستان.

۴. اسماعیل هنیه زمانی رفت که غزه بیش از پیش به وی نیاز داشت. در طول تاریخ فلسطین اسماعیل هنیه یکی از شجاع‌ترین، انقلابی‌ترین و هوشمندترین رهبران غزه و فلسطین به شمار می‌رفت و کمتر کسی را طی دهه‌ی اخیر در فلسطین می‌توان یافت که به جامعیت هنیه باشد. اسماعیل تکیه‌گاه و محبوب

اسماعیل!

چند بندی در باب اسماعیل حماس

مهدی علمیرزالی

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

۱. اسماعیل هنیه در اردوگاه آوارگان فلسطینی به دنیا آمده بود. خانواده‌اش در پی جنگ ۱۹۷۸ اعراب و اسرائیل، از خاک اجدادی‌شان اخراج شده و به اردوگاهی موسوم به مخیم الشاطی پناه آورده بودند. اسماعیل با درد آوارگی و فراق وطن بزرگ شده بود.

۲. انتفاضه‌ی اول فلسطینی‌ها مصادف بود با آغاز مبارزات سیاسی اسماعیل. طی این انتفاضه، مردم فلسطین با سنگ به مقابله با اسرائیلی‌ها رفتند و برای همین بود که به انتفاضه‌ی سنگ مشهور شد. اما امروز دیگر مبارزان فلسطینی سلاح‌شان سنگ نیست؛ آن‌ها به انواع و اقسام سلاح‌ها و تکنیک‌های اطلاعاتی و نظامی مسلط هستند و حماس دمار از



چرخ دنده

ساحتی بر پایه علم

ثمین محمدی قشلاق
دانشجوی کارشناسی شیمی محض

شاید بپرسید کی جوشن ضخیم این مملکت چنان ترکی برداشت که هر تکه‌ی خشکی هر وقتی که دلش خواست بتواند زخمه‌ای بر قلبش بزند؟ می‌گوییم دقیقاً زمانی که هشتاد میلیون نفر تصمیم گرفتند نسخه‌ی اقتصاد و سیاست بیچند، درست دقیقه‌ای که تصمیم گرفتیم همه متخصص شویم. تعارف که نداریم! اگر رویای روزهای اوچ را داریم، باید بدانیم که جای متخصص اقتصاد، پشت میز وزارت نیست که حتی یک‌بار هم در نامه‌هایشان اسم اقتصاد را نمی‌برند. آموزش و پرورش مرد میدانی می‌خواهد که عزت معلم را احیا کند و حس ارزش را به مدارس بازگرداند. ای‌کاش مدیران از بالاترین تا پایین‌ترین

پست‌ها را طوری منصوب کنند که فردا روزی اگر کلمه تخصص به گوش مردم رسید کسی متزجر نشود؛ جوانان یک‌تنه یقه‌ی مطالبات آینده را باید بگیرند و ول نکنند.

به عنوان یک جوان از دولت جدید باید انتظار داشت که صریح، شفاف و قاطع در مورد هر قدمی که برای آینده برمی‌دارند توضیح دهند. برای سال‌های بعد که جوان امروز پنجاه‌ساله شد، جایگاه استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر کجای این کشور قرار دارد؟ چه تدابیری برای بحران آب اندیشیده شده است؟ آیا همچنان روز به روز ورزش کشورم قدرت بازوانش را از دست می‌دهد یا نفسی چاق می‌کند؟ دولت قرار است برای همین چهار سال برنامه بنویسد و اجرا کند و بعدا خداحافظ؟ هیچ پروژه‌ای با چشم‌انداز بالای بیست سال تصویب نخواهد شد؟ نکند خدایی نکرده بعد از بیست و اندی سال کلی آدم پیر و فرتوت و از نفس افتاده پشت میز باشند و از این طرف و آن طرف نیروی کار وارد کنیم؟ نکند داستان بشود همان داستان دکترهای هندی دهه‌ی سی و

چهل؟ اصلاً رویکرد مواجهه با مهاجران قانونی و غیرقانونی چه خواهد بود؟ جلوه‌ی بخش‌های شمال شرق کشور دارند آرام‌آرام رنگ و بوی اصالت ایرانی را از دست می‌دهند؟

دقیق‌تر که بشوید، می‌بینید اقتصاد با اینکه بزرگترین مسئله است، ولی همه‌ی مسئله نیست. اگر هر کدامان روزی ده دقیقه روی قوت بخشیدن به مسائلی که به ما مربوط‌اند دقیق شویم، می‌بینیم اقتصاد و سیاست، آخرین دنده‌های چرخ‌دنده‌ای هستند که ریزترین دنده‌هایش زیر دست خودمان است.

بالاخره چاه‌های نفت، خالی می‌شوند و ما پیر و دریاها خشک‌تر... این هم نه تقصیر دشمن داخلی است نه خارجی. طبیعت است؛ مادری که ای‌کاش این دولت بلد باشد با او مهربان‌تر باشد. ای‌کاش این دولت برای ناامیدانی که پای صندوق نیامدند نیز کار کند.



نبود، درخور مقام حسین

این حسین کیست؟

ثنا اسماعیل پور

دانشجوی کارشناسی شیمی محض

از حسین (ع) اکتفا به نام ایشان کافی نیست؛ بلکه خلق باید دریابد که حسین علیه السلام چه کرد. کجایید ای مردم؟! مرکب غفلتی که زیرپا دارید، شما را به کجا و تا کجا برده است؟ اینکه شما دارید، زندگی نیست؛ فساد است؛ شما استخوان یکدیگر را می جوید، خون یکدیگر را می خورید و به هسستی یکدیگر با چشم بغض و عداوت می نگرید. همه‌ی این نکبت‌ها را دست ظلم بر شما تحمیل کرده است. من می‌روم تا این دست را قطع کنم؛ من می‌روم تا ظالم را نابود سازم؛ اما شما من را می‌ترسانید و می‌گویید خون تو را خواهند ریخت! غافل از آنکه خون مظلوم چو بر زمین ریزد، جوشش خواهد کرد و موج خواهد ساخت و امواج خروشان آن، ستمگران را در غرقاب فنا خواهد انداخت.

این است راه من؛ این است هدف من؛ آنانی که با من هستند، بیایند و کسانی که سودای دگر دارند، رو به زندگی بازگردند.

گر جز به کشتنم نشود دین حق بلند
ای تیغ‌ها بیایید بر فرق من فرود
حسین بن علی، درسی به بشر داد
به دستور الهی درسش عملی بود
نه کتبی نه شفاهی
آیین یزیدی که بری بود ز انصاف
نمود به تطمیع و به تهدید گواهی

قرن‌ها از فاجعه‌ی جانگداز کربلا که مظهر آزادی و یگانگی شهیدان راه حق بود، می‌گذرد. در محافل چه بسیارند کسانی که برای سوگواری حضرت حسین علیه السلام دو ماه (محرم و صفر) به دور یکدیگر جمع می‌شوند و گریه‌ها و ناله‌ها سر می‌دهند و اشک‌هایی حاکی از علاقه و عشق به حسین از دیدگان خود سرازیر می‌سازند؛ اما آیا این ناله‌ها و گریه‌ها از آشنایی به حقیقت حسین است؟ آیا هدف نهایی نهضت او را درک کرده‌اند؟ هر نگارشی، در بنیادش روح و هر ظاهری در نهادش باطنی دارد و هدف از برگزاری هر اجتماع و مجلسی، گرفتن نتیجه‌ی مطلوب است. چه بسیار طاعات بی‌اخلاص و اشک‌های بی‌اثر که به نیم جو خریداری نشوند؛ بنابراین تقرب جستن به سوی حضرت حسین (ع)، متصف شدن به صفات و تخلق به اخلاق آن حضرت می‌باشد. شخصیت‌های عالی‌رتبه‌ای که هر کدام به نوبه‌ی خود

در عرصه‌ی دانش و سیاست برجسته بودند، در پیشگاه فکر و سیاست حضرت حسین (ع) سر تعظیم فرود آوردند؛ خود را به دامن پاک و مقدس حسینی انداختند و طوق پیروی از هدف ایشان را که یگانه مظهر آزادی بود، به گردن نهادند.

گاندی چندین بار برای ملتش گوشزد کرد: «من برای مردم هند چیز تازه‌ای نیاوردم؛ فقط نتیجه‌ای که از مطالعات و تحقیقاتم درباره‌ی تاریخ زندگی قهرمانان کربلا به دست آورده بودم را از مغان ملت هند ساختم. اگر بخواهیم هند را نجات دهیم، واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی پیمود».

محمد علی جناح، قائد اعظم و موسس پاکستان می‌گوید: «هیچ نمونه‌ای از شجاعت بهتر از آنکه امام حسین علیه السلام از لحاظ فداکاری و تهور نشان داد، در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده‌ی من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند».

لیاقت علیخان، نخست‌وزیر فقید پاکستان چین می‌گوید: «این روز محرم برای مسلمانان در سراسر جهان معنی بزرگ دارد؛ در این روز یکی از حزن‌آورترین و تراژدی‌ترین وقایع اسلام اتفاق افتاد. شهادت حضرت امام حسین (ع) در عین حزن، نشان فتح نهایی روح واقعی اسلامی بود؛ زیرا تسلیم کامل در پیشگاه اراده الهی به شمار می‌رفت».

توماس کارلایل، مورخ مشهور انگلیسی چین می‌گوید: «بهترین درسی که از تراژدی کربلا می‌گیریم، این است که حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند. آن‌ها با عمل خود روشن ساختند که تفوق عددی در جایی که حق با باطل روبه‌رو می‌شود، اهمیتی ندارد. پیروزی حسین با وجود اقلیتی که داشت، باعث شگفتی من است».

واشینگتن ایروینگ، مورخ مشهور آمریکایی چین می‌گوید: «برای امام حسین ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن به اراده‌ی یزید نجات بخشد؛ لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت‌بخش اسلام اجازه نمی‌داد که او یزید را به عنوان خلافت بشناسد. او به زودی برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی‌امیه آماده ساخت. در زیر آفتاب سوزان سرزمین خشک و در ریگ‌های تفتیده‌ی عربستان، روح حسین فناپذیر برپاست. ای پهلوان! ای نمونه‌ی شجاعت! و ای شهسوار من! ای حسین!».

وظیفه‌ی ما:

انقلاب مذهبی تا در جهان آید پدید از ندای حق جهان را بر صدا خواهیم کرد
با فنای خویشتن اندر ره ابقای دین
دین خود را در ره یزدان ادا خواهیم کرد
از پی درمان درد جهل ابنای بشر
نینوای خویش را دارالشفای خواهیم کرد
آزادی نوع بشر تا بروز حشر
پرچم آزادمردی را به پا خواهیم کرد
ظلم را معدوم می‌سازیم و پس مظلوم را
با شهامت از کف ظالم‌رها خواهیم کرد
کاخ استبداد را با خاک یکسان می‌کنیم
پس بنای عدل را بنا خواهیم کرد



هیئت تحریریه:

مهدی علی‌میرزالی، فاطمه وهابی،
ثنا اسماعیل پور، ثمین محمدی قشلاق



طراح و صفحه‌آرا:

علی خضری

ویراستاران:

علی پورآذر، نگین جباری

مدیر اجرایی:

امیررضا عبادی

صاحب امتیاز:

جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه ارومیه

مدیر مسئول:

محمدرضا سلطانی‌وش

سردبیر:

معصومه صحت

جانشینان سردبیر:

اسماء نجفی، مهدی علی‌میرزالی